



Analysis of Ayatollah Hassanzadeh Amoli's school of interpretation

(Received: 2023-1-31 Accepted: 2023 -2- 14)

DOR: <https://dorl.net/dor/20.1001.1.26767384.2022.7.2.12.8>

Habibzadeh Esbo, Hamzeh¹

Faramarzi, Javad²

Abstract

Ayatollah Hassanzadeh Amoli is one of the scholars who has comprehensive knowledge both in science and mysticism. In addition to this, their school of interpretation has gone through the highest stages in reaching interpretation (the self-interpretation of the book of intellectual and narrative development, as well as in the course and conduct, discovery and intuition. Their school of interpretation with intellectual and narrative documentation and divine editing) in the view of the Qur'an And the infallible imams (a.s.) who have been favored by Islamic scholars and researchers throughout history can be a great help in understanding secrets and truths. Whenever Allameh Hassanzadeh Amoli talks about secrets and truths, they pay special attention to the purity of the soul, behavior and discovery. Interpretation is a way to reach the inner layers and deep meanings that exist in the formative and edited book. And there is no limit for humans, nor for the Qur'an. Because for the Qur'an, there is a material Qur'an, an exemplary Qur'an, an intellectual Qur'an, and a divine Qur'an, and the verses and degrees of the Qur'an are revealed to man and show his secrets and truths to him when man implements the divine names and attributes in himself. Intellectual knowledge is different from heart knowledge. It is impossible for a person to reach the secrets and truths only with intellectual knowledge. From the point of view of Allameh Hassanzadeh Amoli, the understanding of human beings from the book of divine creation and compilation has levels and degrees. The levels and degrees of the Qur'an are manifested in human existence. The more a person reads the book of his own existence, the more he will gain a higher understanding. Iqra Wargh

Key words: Hassanzadeh Amoli, school of interpretation, Quran, Batin, course and conduct

1u Master's degree in Quranic Sciences, Department of Islamic Studies, Karim Amol University of Quranic Sciences and Education, Iran, hamzehabib4@gmail.com

2. Assistant Professor of the Holy Quran University of Sciences and Education, Amol, Iran javadfaramarzi1353@gmail.com

This work is licensed under a Creative Commons Attribution 4.0 International License

نوع مقاله: پژوهش

تحلیل مکتب تاویلی آیت الله حسن زاده آملی

(تاریخ دریافت ۱۴۰۱/۱۱/۱۱ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۱/۲۵)

DOR: <https://dorl.net/dor/20.1001.1.26767384.2022.7.2.12.8>حبیب زاده اسبو، حمزه^۱
فرامرزی، جواد^۲

چکیده

آیت الله حسن زاده آملی، از زمره علمایی است که در علوم مختلف از جمله عرفان از جامعیت برخوردار است. ایشان با توجه به وجهی عرفانی و قرآنی خود، دارای دیدگاههای گوناگونی در زمینه تاویل است که انبوه این دیدگاهها، ایشان را دارای مکتب تاویلی منسجمی ساخته است. مساله پژوهش پیشرو این است که مکتب تاویلی علامه حسن زاده آملی چگونه می باشد؟ روش تحقیق بصورت توصیفی-تحلیلی و کتابخانه‌یی می باشد. ضرورت تحقیق این است که از طریق تحلیل این مکتب تاویلی، به تاویل درست دست یابیم. نتایج بدست آمده این است که مکتب تاویلی ایشان دارای مشخصاتی است. از مشخصات این مکتب تاویلی، رسیدن به بطن قرآن از طریق تفسیر انفسی کتاب تکوین عقلی و نقلی و سیر و سلوک و کشف و شهود مراتب عالیه است. مکتب تاویلی ایشان با مستندات عقلی و نقلی مد نظر قرآن و ائمه معصومین علیهم السلام، می تواند کمک شایانی در جهت فهم اسرار و حقایق کند. علامه حسن زاده آملی، هرچا سخن از اسرار و حقایق به میان می آورد، توجه ویژه‌ای به طهارت نفس، سیر و سلوک و کشف و شهود می کند. تاویل از نظر ایشان، روشی برای رسیدن به لایه‌های باطنی و معانی ژرف و عمیقی است که در کتاب تکوینی و تدوینی وجود دارد. برپایه این مکتب، نه برای انسان حد یقف است و نه برای قرآن؛ چراکه برای قرآن، قرآن مادی، قرآن مثالی، قرآن عقلی و قرآن الهی هست و آیات و درجات قرآن، زمانی

برای انسان تجلی می کند و اسرار و حقایق خود را به او نشان می دهد که انسان، اسما و صفات الهی را در خودش پیاده کند؛ لذا معرفت فکری غیر از معرفت قلبی است. محال است انسان تنها با معرفت فکری به کنه اسرار و حقایق برسد. در مکتب تاویلی علامه حسن زاده آملی، فهم انسان از کتاب تکوین و تدوین الهی، دارای مراتب و درجات است. مراتب و درجات قرآن در وجود انسان نمود پیدا می کند. انسان هرچه بیشتر کتاب وجودی خود را بخواند، بر طبق حدیث اقرا وارق، به فهم بالاتری دست پیدا می کند.

کلید واژه: حسن زاده آملی، مکتب تاویلی، قرآن، باطن، سیر و سلوک.

^۱ کارشناسی ارشد رشته علوم قرآنی گروه معارف اسلامی دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم آمل، ایران (نویسنده مسئول)

hamzehabib4@gmail.com

^۲ استادیار دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، دانشکده علوم قرآنی آمل، ایران javadfaramarzi1353@gmail.com



This work is licensed under a Creative Commons Attribution 4.0 International License



۱- طرح مساله

تاویل از مقولاتی است که در علوم قرآنی و اکثر حوزه های معرفت دینی همانند کلام، اصول، فقه، فلسفه، عرفان و ... از اهمیت بسزایی برخوردار است؛ زیرا در تمامی این علوم، معانی ژرفی نهفته است که جز از طریق تاویل، دست یافتنی نیست. کاربرد تاویل در متون دینی، اعم از قرآن و روایات، زمینه‌ای پدید آورده تا صاحب نظران برای اشاره به لایه های معنایی و همچنین دستیابی به معانی درونی، مناسب ترین واژه را «تأویل» بیانند. اما خلط مفهوم لغوی و اصطلاحی و عدم شناخت مبانی و روشهای تاویل در بین فرقه های اسلامی از جمله شیعه، معتزله، اشاعره و خوارج و ... باعث برداشت هایی مختلف و حتی مخالف یکدیگر از مباحث قرآنی، روایی و معرفتی شده است و هر فرقه در طی تاریخ با تاویل مد نظر خود، دیگران را باطل و حتی به کفر متهم کرده و فهم خود از دین را ملاک و معیار قرار داده و دستورات و موضوعات دینی را برای اهداف خود به تاویل برده و فهم خود را اصل قرار می دهد.

هرچند پرداختن به تاویل و باطن آیات و روایات و بطور کلی باطن هستی، همواره در طول تاریخ تفکر اسلامی در بین نحله های مختلف فکری از جمله عرفا وجود داشته، اما قطعاً بسیاری از این جریانها دارای تفکر مستقل و تاسیسی نبوده، بلکه پیرو معدودی از شخصیت های خاص بوده اند که دارای تفکر مستقل بوده و یا حداقل درپاره ای از مباحث آن، دارای نو آوری بوده اند. از جمله شخصیهایی که در دوره معاصر نقشی اساسی در پرداختن به تاویل قرآن داشته، حسن زاده آملی می باشد. حسن زاده آملی (ت. ۱۳۰۷)، از بزرگترین اساتید حکمت و عرفان معاصر می باشد که در اکثر علوم معقول و منقول دارای آثاری است که بسیاری از آنها دارای وجه ای کاملاً قرآنی می باشد که در طی آن، ایشان دیدگاه های تاویلی خود را بیان می کند تا آنجا که، حجم مباحث تفسیری طرح شده در کتابی با عنوان **سدره المنتهی** به چاپ رسیده است یا کتاب انسان و قرآن و همچنین کتاب قرآن و ليله القدر، مستقلاً درارتباط با دیدگاه های ایشان پیرامون قرآن بوده و رساله رتق و فتق که در تفسیر آیه ۳۰ سوره انبیاء است، دارای نوآوریهای پیرامون خلقت و مساله معاد می باشد.

در این میان، آنچه که مشخصه اصلی نوشته های ایشان است، توجه به بطون و حقیقت آیات و روایات است. بر این اساس، دیدگاه های تاویلی ایشان می تواند برای تمامی فرق اسلامی راه گشاه باشد. نظام تاویلی حسن زاده آملی هر چند در کلیت بر اساس فلسفه و منظومه فکری ابن عربی بنا نهاده شده، اما

در پاره‌ای از مسائل، عاری از جنبه‌های تاسیسی و نوآوری نیست. بدین جهت، دیدگاه تاویلی ایشان به علت پاره‌ای از نو آوریها، قابلیت آن را دارد که به صورت مکتب مورد بررسی قرار گیرد. آنچه در این مقاله مد نظر است، این می‌باشد که تعریف حسن زاده آملی از تاویل چگونه است؟ ضرورت تاویل قرآن از دیدگاه ایشان چیست؟ مبانی مکتب تاویلی ایشان کدامند؟ روش مکتب تاویلی ایشان چیست؟ تاویل از نظر ایشان دارای چه مراتبی می‌باشد؟ مکتب تاویلی ایشان تا چه حد با متون دینی اعم از آیات و روایات منطبق است؟

۲- تعریف تاویل از نظر حسن زاده آملی

علامه حسن زاده آملی در نوشته‌های خود به صراحت به واژه تاویل و تعاریف آن اشاره نکرده‌اند، ولی در مقیاسی گسترده از واژه گانی که دلالت بر تاویل دارد از جمله: اسرار، بطون و معانی، درجات قرآن، رمز و تفسیر انفسی استفاده نموده‌اند. (حسن زاده آملی، ۱۳۸۳: ۱۲۳؛ همو، ۱۳۸۸: ۱۲۸/۱؛ پیشین، ۳۹/۱؛ همو، ۳۹؛ پیشین، ۴۹). از نظر ایشان، هریک از واژگان گفته شده بر چیزی فراتر از ظاهر قرآن دلالت دارند. از بررسی آثار حسن زاده بدست می‌آید که تاویل از نظر ایشان، عبور از ظاهر کتاب تکوین و تدوین الهی و رفتن به باطن آن، برای رسیدن به اسرار و حقایق پایان ناپذیر کتاب تکوین و تدوین الهی است که از طریق کشف و شهود و سیر در عوالم وجود بدست می‌آید و جریانی است که تنها در درون انسان و همراه با حضور، مراقبت و طهارت صورت می‌گیرد.

۳- ضرورت تاویل از دیدگاه آیت الله حسن زاده آملی

نوع نگاه حسن زاده آملی به آیات قرآن، روایات و ادعیه معصومین و توجه ایشان به کتاب تکوین الهی، بویژه تاکید بسیار بر انسان از نظر کیفیت و کمیت با دیگر دانشمندان، تفاوت‌های چشمگیری دارد. از منظر ایشان، نحوه رسیدن انسان به اسرار و حقایق می‌تواند برای انسان‌های متعمق و سالک الهی، در سرتاسر گیتی مفید و در رسیدن به اسرار نهفته در نظام تکوین و تدوین دست گیر و مدد کار آنها باشد؛ این در حالی است که الفاظ قرآن و روایات صادره از ناحیه معصومین (ع) و صورت‌های موجودات در نظام آفرینش، ثابت می‌باشد. با این وجود، بعد از هزاران سال که بشر دنبال علم و آگاهی است و هر روز مطالب علمی جدیدی بر روی انسان گشوده می‌شود، تنها بعدی از ابعاد معارف قرآن شناخته شده



و کسی مدعی نیست که باب علم و قرآن بسته شده و تمام مجهولات انسان به معلومات تبدیل شده است. در این مورد حسن زاده آملی با استناد به آیات و روایات، معتقد است که انسان نباید در هیچ حدی از رشد علمی و معنوی توقف کند، زیرا اسرار و حقایقی در نظام تکوین و تشریح وجود دارد که تمام شدنی نیست و به مدد تاویل، رسیدن به این حقایق، امکان پذیر خواهد بود. بدین خاطر همواره نیازمندی به تاویل وجود دارد. ایشان برای بیان این ضرورت، دلایلی ارائه میدهند که به قرار ذیل می باشد.

۱- دلایل قرآنی

حروف و کلمات قرآن، علم الهی و نامحدود است و هر کس به اندازه فهم خود از آن بهره می برد. انسان هر چه به مراتب بالاتری از معرفت فکری و عرفان عملی می رسد به فهم بالاتری دست پیدا می کند؛ زیرا این برداشت های عمیق، از ظاهر کلام الهی حاصل نمی شود؛ بلکه با استفاده از تاویل و از باطن قرآن به دست می آید. بر این اساس، آیات خداوند از جمله قرآن کریم که تجلی حق و اسما و صفات الهی است، نامحدود می باشد و نیاز به تاویل دارد. در این راستا حسن زاده آملی می گوید: «صاحب کتاب بیان السعاده در وجوب اعراب و قرائت اول سوره مبارک بقره از الم تا اول تک هم المفلحون که پنج آیه است. ۱۱/۴۸۴/۲۰۵/۷۷۰/۲۴۰ وجه ذکر کرده است بعد از آن گوید و هذه هي الوجوه الشائعه التي لا شذوذ ولا ندور ولا علق فيها» سپس ذیل این عبارت آورده اند که «این وجوه ظاهره، عناوین باطن اند: اقرا و ارق» (حسن زاده آملی، ۱۳۷۶: ۶۲). لفظ قران که حدود ۱۱ تریلیون وجه می پذیرد، پس معنا و مفهوم قرآن جای خود دارد و به عبارتی پایان ناپذیر است؛ بدین خاطر، تاویل برای رسیدن به این لایه های باطنی ضرورت دارد.

حسن زاده آملی دلایل قرآنی ای برای ضرورت تاویل بیان نموده اند. دلیل نخست قرآنی ایشان، بر پایان ناپذیر بودن علم الهی استوار است. «همانطور که حق سبحانه صمد حقیقی اعنی وجود مطلق غیر متناهی است، کتاب او نیز حامل کلم نوریه خارج از حد و عد و احصاء است» (حسن زاده آملی، ۱۳۸۳: ۹) و این نکته در قرآن آمده است: (وَلَوْ أَنَّ مَا فِي الْأَرْضِ مِنْ شَجَرَةٍ أَقْلَامٌ وَالْبَحْرُ يَمُدُّهُ مِنْ بَعْدِهِ سَبْعَةُ أَبْحُرٍ مَا نَفِدَتْ كَلِمَاتُ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ) (لقمان/۲۷). و اگر آن چه درخت در زمین است قلم باشد و دریا را هفت دریای دیگر به یاری آید، سخنان خدا پایان نپذیرد، قطعاً خداست که شکست ناپذیر حکیم است)

دلیل دوم قرآنی ایشان، مبتنی بر خزائن بودن آیات قرآن می باشد. حسن زاده آملی به این امر اذعان دارند که «آیات قرآنی جوامع کلم اند، این کلمات جامعه خزائن الهی اند» (حسن زاده آملی، ۱۳۸۳: ۴۵) و معتقدند که برای انسانهای طالب اسرار و حقایق، خزانه‌ها، انبارها و کنوز علوم و معارف وجود دارد، آیات قرآنی، جوامع روائی، نهج البلاغه و صحیفه سجادیه و... خزینهای الهی است «امام سجاد علیه السلام آیات قرآن را خزائن خوانده است که فرموده اند آیات قرآن خزائن فکلما فتحت خزانه ینبغی لک ان تنظر ما فیها» (پیشین).

۲- دلایل روایی

چنانکه پیش تر گفته شد، هر حرف قرآن را معانی بی پایان است «قرآن اثر خداوند و چون خداوند بی نهایت است قرآن هم بی نهایت است» این حروف مقامات وجودی و مراتب طولی قرآنند. هر چه انسان، قرآنی تر باشد قرآن بر او نازل و اسرار و حقایق بر او مکشوف می شود؛ از جمله در گفتار امام علی علیه السلام به فرزندش محمد حنفیه است که فرموده اند: عليك بتلاوة القرآن والعمل به.... وأعلم أن درجات الجنة على عدد آيات القرآن فإذا كان يوم القيامة يقال لقاري القرآن اقرأ وارق. مقام اقرا وارق این است که به هر مقامی علمی و سلوک انسانی رسیدی، در آن توقف نکن بخوان و بالا برو و رسیدن به آن مقام وصول

ادراکی وجود به آن مقام است» (حسن زاده آملی، ۱۳۸۳: ۱۹۴). «پیامبر اسلام فرمودند: قال الله تعالى ما وسعني ارض ولا سمائي ووسعني قلب عبدی المؤمن التقی و التقی» (حسن زاده آملی، ۱۳۸۳: ۱۸۲)

از نظر ایشان، انسان کامل یعنی قرآن؛ وعای قلب را حدی محدود نیست هر چه آب حیات -علم- در او ریخته شود وسعت او بیشتر می شود؛ زیرا بین قلب انسان و قرآن و اسرار آفرینش باید سنخیت باشد. چرا که نظام آفرینش، قرآن و انسان به دست یک نفر نوشته شده است. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: «أن للقرآن ظهراً و بطناً و حدّاً و مطلعاً» و در حدیثی دیگر فرموده اند أن للقرآن ظهراً و بطناً و لبطنه بطناً الی سبعة ابطن. قرآن را ظاهری است و باطنی و باطنش را باطنی تا هفت بطن (حسن زاده آملی، ۱۳۸۳: ۱۱۶). این احادیث، ضمن تصریح به وجود بطن در آیات قرآن، به وجود معانی طولی قرآن نیز اشاره



دارد (آلوسی، ۱۴۱۴ق: ۸ / ۱). افزون بر این، وجود روایاتی دال بر معانی و درجات قرآن است که ضرورت تاویل را تاکید می‌کند «روی آنکه صلی الله علیه و اله و سلم قال ما من حرف من حروف القرآن الا وله سبعون الف معنی» (حسن‌زاده آملی، ۱۳۸۳: ۱۷) قدر به یقین مراد از معانی و درجات قرآن، لفظ قرآن نیست اگر بود این همه آیات و روایات روی بطن قرآن تاکید نمی‌کردند. این در حالی است که لفظ سبعون در این روایت بیان کثرت است.

۴- مبانی مکتب تاویلی آیت الله حسن زاده آملی

۳-۱ نامحدود بودن معانی قرآن

حسن زاده آملی معتقدند معانی قرآن بی پایان است و حدیقی ندارد و همانطور که وجود خداوند نامحدود و غیر متناهی است، کتاب تکوین و تدوین الهی که کلمات اویند، نامحدود هستند. از نظام طبیعت گرفته تا عالم غیب، همه تجلی علم خداوند است. آنچه خداوند با دست خود نوشته است، حقایق و اسرار آن پایانی ندارد (وَلَوْ أَنَّ مَا فِي الْأَرْضِ مِنْ شَجَرَةٍ أَقْلَامٌ وَالْبَحْرُ يَمْدُهُ مِنْ بَعْدِهِ سَبْعَةُ أَبْحُرٍ مَا نَفِدَتْ كَلِمَاتُ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ) (لقمان / ۲۷) آیه تعبیر از وسعت علم خداوند دارد که بدون بیان اعداد و ارقام به نامحدود بودن علم خداوند و کلمات وجودی او اشاره دارد هزاران تفسیر در طی قرن‌ها با محوریت سیاسی، عرفانی و اجتماعی و... نوشته شده و هر روز مطالب و معارف تازه‌ای از آن بدست می‌آید، معانی ژرف و درجات آیات در قرآن نامحدود و قلب انسان هم که ظرف قرآن است، نامحدود است (هَمْ دَرَجَاتٌ عِنْدَ اللَّهِ وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِمَا يَعْمَلُونَ) (آل عمران / ۱۶۳) (دَرَجَاتٍ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ). (مجادله / ۱۱).

سخنان معصومین علیهم‌السلام از نظر ایشان، تفسیر انفسی قرآنند؛ زیرا نص صریح قرآن به این نکته اشاره دارد (لَتُبَيِّنَنَّ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ). (نحل / ۴۴). کتاب آسمانی بالاتر از قرآن تا روز قیامت نخواهیم داشت. ایشان با این نوع نگاه به محضر نهج البلاغه، صحیفه سجاده، ادعیه و روایات می‌روند و اسرار و حقایق را بیرون می‌کشند؛ زیرا که معتقدند اینها تفسیر انفسی قرآنند «حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام به فرزندش محمد حنفیه وصیت فرموده اند که عليك بتلاوة القرآن والعمل به واعلم إن درجات الجنة على عدد آيات القرآن فإذا كان يوم القيامة يقال لقاري اقرأ وأرق. امام فرمود درجات بهشت به عدد آیات

قرآن است پس چون روز قیامت شود به قاری قرآن گفته می‌شود بخوان بالا برو» (حسن زاده آملی، ۱۳۸۷: ۲۰).

اقرأ و أرقب به دو نکته اشاره دارد؛ یک طرفش انسان است، با این قابلیت که می‌تواند در هیچ حدی از رشد علمی و معنوی توقف نکند؛ نفس ناطقه انسان در کسب علوم و معارف محدودیت ندارد، گنجایشش نامحدود است. طرف دیگر، قرآن است با الفاظ معین و مشخص ولی با معانی و اسرار و درجات نامحدود؛ هرچه معرفت و بینش انسان بیشتر باشد به همان اندازه به این درجات قرآنی نزدیکتر می‌شود. حسن زاده آملی با استناد به همین شواهد، برای قرآن درجات و مقامات معنوی نامحدود قائلند. ایشان با تاکید بر روایتی از امام موسی کاظم علیه السلام، بر وجود مراتب و درجات قرآنی نامحدود در عالم برزخ تاکید می‌کنند (حسن زاده آملی، ۱۳۹۰: ۴۸).

۲-۳ ولایت

از مهمترین مبانی مکتب تاویلی حسن زاده آملی، موضوع ولایت و انسان کامل است. ایشان معتقدند، ولایت باب رحمت خداوند است ما هم هرچه داریم از ولایت داریم: «وجود انسان کامل، ظرف همه حقائق و خزاین اسماء الله است» (حسن زاده، ۱۳۸۳: ۱۶۵). از نظر ایشان، در عرفان نظری و عملی، گفتار و عملی بالاتر و ارزشمندتر از گفتار و عمل پیغمبر خاتم و اهل بیت رسول خدا یعنی چهارده معصوم صلوات الله علیهم پیدا نمی‌کنیم. این بیت مولانا جلال الدین بلخی ناظر بر ولایت و انسان کامل است «ای علی که جمله عقل و دیده‌ای، شمه‌ای واگو از آن چه دیده‌ای» (مولوی، ۱۳۷۵: دفتر اول، بیت ۳۷۵۱). هر چه نوع انسان برای به کمال رسیدن از دستورات اخلاقی و عملی چه در زمان حال و آینده نیاز داشته باشد در وجود انسان کامل وجود دارد. در بیان امام عارفین علی علیه السلام که فرمودند: لو کشف الغطاء، لما ازددت یقیناً (مجلسی، ۱۴۰۲: ۸۴ / ۳۰۵). انسان کامل به تمامی علوم ظاهر و باطن و به تمامی اسرار و حقایق الهی احاطه کامل دارند امیر المومنین علی علیه السلام می‌فرماید (بل کیف تعمهون و بینکم عتره نبیکم و هم أزمه الحق و اعلام الدین و السنه الصدق فانزلوهم بأحسن منازل القرآن و ردوهم وروود الهیم العطاش) (سید رضی، ۱۳۸۰: خطبه ۸۷).



یکی دیگر از مبانی تاویل در مکتب تاویلی حسن زاده آملی، معرفت نفس است. ایشان در این زمینه می‌گویند «آنکه من عرف نفسه فقد عرف ربه را درست فهم کند، جمیع مسائل اصیل فلسفی و مطالب قویم حکمت متعالی و حقایق متین عرفانی را از آن استنباط تواند کرد، لذا معرفت نفس را مفتاح خزائن ملکوت فرمودند» (حسن‌زاده آملی، ۱۳۹۰: ۱۴). از این لحاظ می‌توان گفت شاخصه اصلی مکتب تاویلی حسن زاده آملی، توجه ایشان بر طهارت نفس است که این مهم در بسیاری از آثار ایشان بازتاب یافته است. بدون معرفت نفس نمی‌شود به تاویل آیات و روایات پرداخت؛ چرا که آیات و روایات و نظام هستی بر محوریت انسان چینش شده است و لذا نمی‌توان بدون شناخت معرفت نفس، به اسرار و حقایق آیات و روایات و نظام تکوین دست یافت.

هرچه پاکی و طهارت نفس بیشتر باشد، معانی باطنی قرآن بیشتر خودشان را نشان می‌دهند. (لَا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ) (واقعہ ۷۹/۷) آن قرآنی که به فرموده قرآن مکتون است در لوح محفوظ است که از ملکوت عالم تنزل کرده و به صورت و نوشته در آمده است. این در صورتی است که اگر انسان قوای ظاهری و باطنی خود را تطهیر نکند و در علم و عمل متخلق به اخلاق قرآنی نشود، به حقائق قرآن نخواهد رسید. عین القضاة همدانی در باره ارتباط معرفت نفس با فهم کتاب تکوینی چنین می‌گوید «هر که معرفت نفس خود حاصل کرد، معرفت نفس محمد او را حاصل شود؛ و هر که معرفت نفس محمد حاصل کرد، پای همت در معرفت ذات الله نهد. «من رأی فقد رأی الحق» همین معنی باشد. هر که مرا دید خدا را دیده باشد، و هر که خودشناس نیست محمدشناس نباشد، عارف خدا خود چگونه باشد» (عین‌القضات همدانی، ۱۳۴۲: ۵۷)

حسن زاده آملی معتقدند که روح انسان از لطافت خاصی برخوردار است؛ کوچکترین بی‌توجهی و غفلت باعث دوری انسان از حق می‌شود و به تبع آن بین او و اسرار و حقایق الهی حجاب ایجاد می‌شود «آن که به نعمت مراقبت متعمم است می‌داند که هرچه مراقبت قویتر باشد، تمثلات و واردات و ادراکات و منامات زلال‌تر، نفوس متألّفه تواند به سلطان کلمه نوری وجودی و امر کن‌ایجاد خود اشباح و اشخاصی همانند خود و دیگران انشاء کند» (حسن‌زاده آملی، ۱۳۹۰: ۲۰) از منظر ایشان، بدون سیر و سلوک و کشف و شهود، نمی‌توان به تمامی حقائق و اسرار کتاب تکوینی و تدوینی دست یافت. ایشان

در این مورد می‌گویند، مساله کشف و شهود در نزد سلسله جلیل عارفان بالله ریشه در آیات قرآنی و روایی دارد. آیه کریمه (وَمِنَ اللَّيْلِ فَتَهَجَّدُ بِهِ نَافِلَةً لَكَ عَسَىٰ أَنْ يَبْعَثَكَ رَبُّكَ مَقَامًا مَّحْمُودًا) (اسراء/۷۹) ناظر بر همین امر است. شاید بتوان گفت از منظر حسن زاده آملی، بیشترین بهره انسان از لذات معنوی و آگاهی و کشف اسرار و حقایق باطنی، سیر و سلوک و کشف و شهود می‌باشد.

۳-۴ امکان دستیابی به تاویل برای غیر معصومین

مقام نبوت تشریحی و امامت، اختصاص به انسان‌های خاصی دارد و کسی غیر از معصومین عليهم‌السلام و اهل بیت رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در آن جایگاه راه ندارند. ولی باب مقام نبوت انبائی، باز است. آیت الله حسن زاده آملی در این زمینه می‌گوید «دیگر اوتاد و ابدال کمال و احاد و افراد غیر کمال به فراخور حظ و نصیبشان از تحقق به اسمای حسنی و صفات علیای الهیه، به آن مرکز دایره کمال، قرب معنوی انسانی دارند» (حسن زاده آملی، ۱۳۸۳: ۱۰۰). فلسفه نزول قرآن و اوامر و نواهی آن و وجود پیامبران الهی به عنوان الگو به این نکته بر می‌گردد که انسان می‌تواند به تمامی درجات و مراتب علمی و عملی قرآنی برسد اگر مراتب و مقام معنوی مد نظر قرآن، خارج از دسترس انسان باشد، ندای ادعونی اُسْتَجِبْ لَكُمْ (غافر/۶۰) مرا بخوانید تا شما را اجابت کنم. بی فائده بود و به مقام و جایگاه انسان به عنوان اشرف مخلوقات که طالب کمالات بی نهایت است، خدشه وارد می‌شد. از طرف دیگر، نظام تکوین و تدوین از این که معلوم انسان شود، افتخار می‌کند. دستور خداوند در تفکر در آیات آفاقی و انفسی و همچنین ندای تعالو خداوند و پیامبران الهی، بیانگر دعوت انسان به فهمیدن اسرار و حقایق در نظام تکوینی و تدوینی است. البته رسیدن به اسرار و حقایق، کار علمی و زحمات عملی می‌خواهد.

حسن زاده آملی در این زمینه می‌گویند «جناب سید حیدر آملی با دو قسم جلاله یاد آور می‌شود، که اگر صفحه‌های آسمانها کاغذ و درختان زمین قلم و دریاها هفتگانه، همراه اقیانوس‌ها مرکب و انس و جن و ملک نویسنده باشند، نخواهند توانست که عشر از ده یک آنچه از معارف الهی و حقایق ربانی که در حدیث قدسی و آیه شریفه به آن اشاره شده و خداوند به من (سید حیدر آملی) عنایت کرده است،



بنویسند» (حسن زاده آملی، ۱۳۷۳: ۴۲-۵۳) این بیان سید حیدر آملی ما را متوجه آیه (وَلَوْ أَنَّ مَا فِي الْأَرْضِ مِنْ شَجَرَةٍ أَقْلَامٌ وَالْبَحْرُ يَمُدُّهُ مِنْ بَعْدِهِ سَبْعَةُ أَبْحُرٍ مَا نَفِدَتْ كَلِمَاتُ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ لَقَمَان)، ۲۷ می کند. لذا انسان می تواند به تمام درجات قرآن برسد و این همان نبوت انبائی است

هر دو عالم خود تویی بنگر دمی	تو به معنی جان جمله عالمی
هر چه می جویی شود زو حاصلت	لوح محفوظ است در معنی دلت
هم ز خود آیات حق را باز یاب	در حقیقت خود تویی ام الکتاب
عارف اشیاء کما هی خود تویی	صورت نقش الهی خود تویی

(لاهیجی، بی تا: ۸۰)

۳-۵ جامعیت علمی

از دیگر مبانی مکتب تاویلی ایشان، لزوم تسلط و احاطه به علوم مختلف، برای پی بردن به اسرار و حقایق قرآن است. «هرکس حظاً او در علوم وافر و بهره وی از آنها بیشتر است، نصیب او از قرآن بیشتر است» (حسن زاده آملی، ۱۳۸۳: ۲۹) احاطه علمی در ابعاد مختلف علوم ریاضی، فلسفه، پزشکی و ... می تواند در فهم بهتر آیات و روایات و رسیدن به معانی و مفاهیم ژرف نهفته در قرآن و روایات کمک شایانی کند؛ چرا که سرتاسر جهان خلقت علم انباشته خداوند است و هر کلمه ای از کلمات خداوند از جامعیت برخوردارند. وقتی قرآن و نظام هستی جامعیت دارد، انسان نیز باید جامعیت علمی و عملی داشته باشد تا بتواند به اسرار و حقایق الهی در دست پیدا کند، چنانکه منشأ بسیاری از اختلافات، ندیدن تمام حقیقت است. در تمام کلمات الهی، عرفان، برهان و قرآن باهم جمع اند و اسما و صفات خداوند در تمام علوم تجلی کرده است به همان اندازه که در فلسفه تجلی کرده است در عرفان و فیزیک و پزشکی و ... تجلی دارد. نتیجه این که هر کس بهره اش از علوم بیشتر باشد فهم او در رسیدن به اسرار و حقایق از قرآن بیشتر و دقیق تر است. قرآن تجلی علم خداوند است و شامل جامع حقایق همه علوم علمی و عملی می باشد و لذا هرکس دارایش بیشتر باشد بهتر می تواند اسرار و حقایق بی پایان الهی را از کتاب تکوینی و تدوینی الهی بیرون بکشد.

۵- روش مکتب تاویلی آیت الله حسن زاده آملی

تاویل مقوله‌ای روشمند است و تمامی نحله‌های تاویلی برای رسیدن به تاویل، از روش خاص مکتب فکری خود تبعیت می‌کنند. علامه حسن‌زاده آملی نیز در بسیاری از مواضع به روش درست رسیدن به تاویل اشاره کرده است. ایشان در این زمینه آورده است: «به جانم قسم همانا کسی که فهم آنچه که در تمهید القواعد و شرح قیصری بر فصوص الحکم و مصباح الانس و اشارات و شفا و اسفار و فتوحات مکیه روزی او نشده است، فهم تفسیر انفسی قرآنی و جوامع رواییه روزی او نمی‌گردد» (حسن‌زاده آملی، ۱۳۸۸: ۲۱/۱) با توجه به عبارت مذکور و تاکید آیت الله حسن زاده آملی بر این کتاب‌ها، می‌توان به روشی که ایشان با آن به تاویل و تفسیر انفسی قرآن پرداخته‌اند، پی برد. لازم به ذکر است که موضوع کتاب‌های ذکر شده، فلسفه، منطق، حکمت، عرفان نظری و عملی می‌باشد و ایشان شروح یا تعلیقاتی بر برخی از این کتابها نگاشته‌اند. این امر، نشان از اهمیت این کتابها نزد ایشان است، زیرا این کتابها، کمک شایانی به فهم اسرار و حقایقی که در قرآن و روایات وجود دارد، می‌کند. آیت الله حسن زاده معتقدند «حق این است که معارف و علوم را باید با هر دو چشم عقل و عرفان نگریست» (حسن‌زاده آملی، ۱۳۷۵: ۴۸۵) لذا همه علوم مقدمه هستند مهم عرفان و سیر و سلوک است چرا که تا قابلیت نباشد چیزی به انسان نمی‌دهند. البته عرفان هم معد است برای تجلی اسما و صفات حق. نفس ناطقه انسان که از عالم ملکوت است، به واسطه علم و عمل وسعت می‌گیرد و باعث ترقی می‌شود. لذا سیر در بطون کتاب تکوین و تدوین الهی علاوه بر نیاز به معرفت عقلی و نقلی، تنها با سیر و سلوک و حضور و مراقبت به دست می‌آید. لذا از نظر ایشان تاویل نیز از مجرای تطهیر و سیر و سلوک می‌گذرد. این خصوصیات و ویژگی روح است که به هیچ حدی قانع نمی‌شود و طالب بی‌نهایت است

پس بین جنبه عرفانی انسان که همان کشف و شهود است با اسرار و حقایق پایان ناپذیر نهفته شده در قرآن، رابطه و سنخیتی وجود دارد. لذا نظام عالم اگر از نظر علمی سقفی داشت چه چیزی روح تشنه انسان را سیراب می‌کرد؟ «سیره و روش حضرت رسول اکرم این بود، که اصحابش را یعنی یاران و شاگردانش را به سیر و سلوک وامی‌داشت، و آنان را برای شکار مبشرات، و صید معانی ترغیب و تحریص می‌کرد، همه انبیاء علیهم السلام این چنین بودند» (حسن‌زاده آملی، ۱۳۷۶: ۲۰). بدین جهت آیت الله حسن زاده آملی توجه ویژه‌ای به نقش سیر و سلوک در دستیابی به تفسیر انفسی و تاویل قرآن



دارند. «عالم اعداد و شماره‌ها و این دو عالم از اسرار مکنونه حقتعالی در جهان پهناور هستی می‌باشند که کسی نتوانسته پرده ابهام از طلعت این اسرار بردارد، غیر از اهل کشف و شهود، که مراتب سریان، با روح لطائف وجدانی کشفی، صفا و پاکی پیدا کرده، و ضمائیر آنان با روایح بویای عرفان، معطر گردیده است» (حسن‌زاده آملی، ۱۳۷۴: ۱۸۰). لذا از نظر ایشان کسی می‌تواند معارج و مدارج قرآن را ببیند که معرفت نفس و طهارت قوای ظاهری و باطنی داشته باشد و هیچ راه دیگری وجود ندارد. در این راستا معراج و سلوک رسول خدا ﷺ به عوالم ماده نبود بلکه سلوک به عالم و نشاء ملکوت بود و آنچه را دیده بودند «همه سرگذشت انسان و بیان احوال و اطوار وجودی او در عوالم و نشئات ابدی بعد از این نشاء است» (حسن‌زاده آملی، ۱۳۹۳: ۴۶۱). آنچه رسول خدا ﷺ مشاهده نمودند، تفسیر انفسی قرآن و تاویل آیات بوده است، لذا برای فهم قرآن، سیر و سلوک اهمیت بسزایی دارد و انسان زمانی می‌تواند قرآن را بفهمد و از اسرار نهفته و بی‌پایانش بهره‌بردار شود که تمام حرکات و گفتار و رفتارش مثل قرآن باشد یعنی انسان شود قرآن. «انتقالات عرفانی که همان تفسیر انفسی قرآن است بیان تأویلات آیات است» (حسن‌زاده آملی، ۱۳۷۸: ۵۳۸). بدین جهت «هرچه مراقبت کاملتر باشد عوائد نفس که نزل و موائد الهیه اند زلال تر و صافی تراند» (حسن‌زاده آملی، ۱۳۸۸: ۱ / ۲۲۷).

۶- مراتب تاویل در مکتب تاویلی آیت الله حسن زاده آملی

آیت الله حسن زاده آملی با استناد به آیات قرآن معتقدند، انسانها در رسیدن به اسرار و حقایق، در یک سطح نیستند «مطابق اختلاف استعداد، واردات قلبی و آثار وجودی و استفاضه فیض الهی مطلقا گوناگون‌اند و الله فُضِّلَ بَعْضُكُمْ عَلَى بَعْضٍ فِي الرِّزْقِ (نحل / ۷۱)، (وَ لَقَدْ فَضَّلْنَا بَعْضَ النَّبِيِّينَ عَلَى بَعْضٍ) (اسراء / ۵۵)، (تِلْكَ الرُّسُلُ فَضَّلْنَا بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ) (بقره / ۲۵۳)» (حسن‌زاده آملی، ۱۳۹۰: ۷۶) یقیناً قرآن با همه اسرار و حقایقش، باید در جان انسان که همان نفس ناطقه انسان است، بنشیند. قرآن که از تجلی اسمای الهی بوجود آمده، دارای مراتب بسیار است؛ همانطور که اسما و صفات الهی دارای مراتب و درجات نامحدود است «موجودات کونیه همگی مظاهر و مرئی وجود مطلقند و این وجود را در هر عالمی از عوالم مختلفه، ظهوری است» (حسن‌زاده آملی، ۱۳۸۱: ۳ / ۳۱۳). بین تمام موجودات نظام تکوین در سیر صعودی یا نزولی مراتب مشاهده می‌شود همانطور که موجودات عالم دارای مراتب هستند علم هم دارای مراتب می‌باشد افزون بر این صادرات و واردات انسانها و آثار و نتایجی که از

آنها مشاهده می شود بیانگر این نکته است که تمام انسانها دارای مراتب علمی و عملی هستند بر اساس معرفت نظری و سیر و سلوک عرفانی دست به تاویل می زنند. قرآن به عنوان برنامه انسان سازی باید دارای مراتب و درجات نامحدود باشد تا با مراتب علمی و عملی نامحدود انسان سنخیت داشته باشد؛ چطور پنج آیه قرآن از لحاظ اعراب عربی یک تریلیون وجه اعراب می پذیرد ولی تاویل که بیان و اسرار قرآن بر دوشش است ذو مراتب نباشد.

آیت الله حسن زاده ضمن تصریح مراتب تاویل معتقدند «که مرتبه عالی تاویل (اسرار و حقایق مثالی و عقلی کتاب تکوین و تدوین) فقط از ناحیه امامان معصوم علیهم السلام امکان دارد و دیگران از این ناحیه به برخی از مراتب آن دست پیدا می کنند» (حسن زاده آملی، ۱۳۸۸: ۲/ ۱۰۱). «خواجه نصیر طوسی در کتاب کشف قناع من اسرار شکل القطاع برای یک شکل هندسی ۴۹۷۶۶۴ هزار حکم هندسی استنباط کرده» (همو، ۱۳۷۳: صص ۸۸-۹۷) انسان برای تفسیر انفسی قرآن برای رسیدن به باطن آن و کشف اسرار و حقایق نیاز به پیش نیاز های از جمله عرفان عملی و نظری حکمت تفسیر و ادبیات و صرف و نحو و.... دارد لذا همه انسان از نظر علمی و عملی در فهم اسرار و حقایق، هم در کمیت و هم در کیفیت با هم تفاوت های دارند انسانی که به مراتب علمی و عملی عروج می کند و متصف به صفات کمالیه الهی می شود و به حقایق و اسرار نظام تکوین و تدوین می رسد دارایهایش با انسان دیگر مثل خود یکی نیست. «لو کشف الغطاء ما ازددت یقینا. اگر پرده از میان برداشته شود یقین من هیچ زیاد نمی شود.» یعنی اشیاء را بنحوی که هستند مشاهده می کنم و علم به آنها دارم. و احدی از اوصیاء مقربین و هیچ یک از اولیاء موحدین به نزدیک این مرتبه نرسیده و از این معنی دم نزده اند (نراقی، ۱۳۶۹: ۱۶۰).

۷-تطبیق مکتب تاویلی علامه حسن زاده آملی با آیات و روایات

مکتب تاویلی علامه حسن زاده آملی بر اساس برهان عقلی و فلسفی و عرفانی استوار می باشد. می توان گفت بدون استثنا، تمام آثار علامه حسن زاده آملی با استناد به روایات و آیات قرآن همراه است.

۷-۱- تطبیق مبانی مکتب تاویلی علامه حسن زاده آملی با آیات و روایات

اساس مبانی مکتب علامه حسن زاده آملی تاکید برنامحدود و نامتناهی بودن کتاب تدوینی و کتاب تشریحی الهی و انسان استوار است در ذیل به تطبیق برخی از آنها اشاره می شود:



آیه (اِبْتِغَاءَ تَأْوِيلِهِ وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ) (آل عمران / ۷) در آن تأویل قرآن سخن به میان آمده است و واژه «تأویل» در این آیه کریمه، علاوه بر ناظر بودن بر آیات متشابه، مسلماً شامل معانی باطنی و طولی آیات قرآن نیز می‌باشد علامه حسن زاده املی برای تمام آیات قرآن اسرار و حقایق نامتناهی قائلند. علامه طباطبایی ضمن بحث گسترده در ذیل آیه ۷ سوره آل عمران، معتقدند «تاویل اختصاص به آیات متشابه ندارد بلکه تمامی آیات قرآن تاویل دارد، دارد» (طباطبایی، ۱۳۷۳: ۴۱/۳)

براساس آیه (هُمُ دَرَجَاتٌ عِنْدَ اللَّهِ وَاللَّهُ بِصِيرٍ بِمَا يَعْمَلُونَ) (آل عمران / ۱۶۳) بهشت دارای درجات و مراتب متعددی است. رسیدن به درجات بهشت لازمه اش تحصیل درجات قرآن است. خداوند در قرآن کریم، بهشت را با اوصاف گوناگونی بیان می‌کند: ۱-جنه النعیم (شعراء/ ۸۵) ۲-جنه عالیه (النجم/ ۱۵) ۳-جنات الفردوس (الکهف/ ۱۰۷).... انسان این درجات را با عمل به قرآن بدست می‌آورد یعنی در قرآن درجات و مدارج معنوی وجود دارد. علامه طباطبایی در این زمینه می‌گویند «منظور از "درجات" در جمله (لَهُمْ دَرَجَاتٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ) مراتب قرب و منزلت و درجات کرامت معنوی است، چون ایمان دارای مراتب مختلفی است، لذا درجات هم که خداوند به ازای آن می‌دهد مختلف می‌باشد» (طباطبایی، ۱۳۷۳: ۹ / ۱۲). امیر المومنین علی علیه السلام در درباره قرآن می‌فرماید (وَإِنَّ الْقُرْآنَ ظَاهِرُهُ أُنِيقٌ وَبَاطِنُهُ عَمِيقٌ لَا تَفْنَى عَجَابُهُ وَلَا تَنْقُضِي غَرَائِبُهُ وَلَا تُكْشِفُ الظُّلُمَاتُ إِلَّا بِهِ) (سید رضی، ۱۳۸۰: خطبه، ۱۸). همانا قرآن دارای ظاهری زیبا و باطنی ژرف و ناپیداست مطالب شگفت آور آن تمام نمی‌شود و اسرار نهفته آن پایان نمی‌پذیرد و تاریکی‌ها بدون قرآن برطرف نخواهد شد؛ لذا انسانی می‌تواند چنین قرآن را وصف کند که به تمام اسرار و حقایق آیات قرآن آگاهی کامل داشته باشد.

۷-۲- تطبیق روش تاویل مکتب تاویلی علامه حسن زاده املی با آیات و روایات

روش مکتب تاویلی ایشان سیر و سلوک یافتن و رسیدن و شدن است تا قابلیت نباشد چیزی به انسان نمی‌دهند «دارایی غیر از دانایی به مفاهیم اسماء است» (حسن زاده املی، ۱۳۹۳: ۱۹) لذا رسیدن به معانی طولی نهفته در قرآن جز از طریق سیر و سلوک، تزکیه نفس و مراقبت دائمی امکان ندارد تمام عرفا در بحث سیر و سلوک با مفاهیمی از قبیل سرّ، لقاءالله، مراقبه، محاسبه و حضور و ... روبرو هستند که

بدون شک پیشینه همه آنها به آموزه ها و تعالیم دینی و ادعیه معصومین علیهم السلام بر می گردد از طرفی اگر پرسیده شود چگونه پیامبران الهی و اهل بیت عصمت و طهارت به این مقام رسیدند؟ جواب این است که آنها با عمل به دستورات الهی (کتاب تدوینی خدا) به بالاترین سطح قرب الهی رسیدند. آیاتی در قرآن وجود دارد که ثابت می کند، قرآن به نحو کامل و جامع به عرفان پرداخته: قرآن کریم، ضمن به رسمیت شناختن راه های عقلی و تجربی شناخت خدا، راه قلبی، شهودی و باطنی «عرفان به خدا» را نیز از حیث معرفت شناختی پذیرفته و آن را عمیق ترین و صادق ترین راه معرفت الله می داند. از آیه (سُنْرِيهِمْ آيَاتِنَا فِي الْآفَاقِ وَ فِي أَنْفُسِهِمْ). به زودی نشانه های خود را در افقها [ی گوناگون] و در دلهایشان بدیشان خواهیم نمود (وَيُزَكِّيْكُمْ وَيُعَلِّمُكُمُ الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَةَ) و شما را پاک می گرداند، و به شما کتاب و حکمت می آموزد. (البقره / ۱۵۱). بخش اول یعنی یزکیکم مربوط به عرفان عملی است اگر کسی آینه جان را با تهذیب نفس جلا دهد و جان خویش را در محضر خدا قرار دهد و تمام توجه اش به عالم غیب باشد و اسرار نظام تکوین و تدوین الهی در وجودش می تابد و به اسرار و حقایق قرآن پی مبرد. بخش دوم مربوط به مبانی و اصول معرفت فکری و نظری، فقه و حکمت و امثال این علوم می باشد. در روش تاویل علامه حسن زاده املی، وجود سیر و سلوک و کشف و شهود برای فهم اسرار و حقایق کتاب تکوین و تدوین الهی، امری الزامی می باشد: «سیره و روش حضرت رسول اکرم این بود، که اصحابش را یعنی یاران و شاگردانش را به سیر و سلوک وامی داشت و آنان را برای شکار مبشرات، و صید معانی ترغیب و تحریص می کرد، همه انبیاء علیهم السلام این چنین بودند، همه سفرای الهی جز تزکیه نفوس بشر و تعلیم و تأدیب آنان، و ایصالشان به قرب الی الله، که در حقیقت تخلق به اخلاق الهی، و اتصاف به صفات ربوبی و تأدب به آداب الله است، هدفی دیگر نداشته اند» (حسن زاده املی، ۱۳۷۶: ۲۰)

۷-۳- تطبیق مراتب تاویل در مکتب تاویلی علامه حسن زاده املی با آیات و روایات

تفاوت سطح روحی انسانها در رعایت فضائل و ملکات و اجتناب از اعمال و نیات مذموم طبعاً باعث تفاوت در سطح درک و فهم انسانها از می شود به طوری که معصومان علیه السلام که مصداق تام و واقعی انسان کاملند، بالا ترین سطح درک و فهم را نسبت به آیات دارند و این تاثیر تفاوت ظرفیت ها در درک و فهم قرآن، از آن رو است که قرآن علاوه بر ظواهرش، باطنی نیز دارد که هرکسی بدان راه



ندارد. آیات قرآن و احادیث و روایات صادره از معصومین به این امر دلالت دارند خطاب های یا ایها الناس، یا اهل الکتاب، یا ایها الذین امنوا و یا ایها النبی ناظر بر مراتب فهم مخاطبان قرآن است انسان در صورتی که متصف به صفات الهی باشد به بالاترین مرتبه یعنی خلیفه الله می رسد و به اذن خداوند در نظام هستی دخل و تصرف می کند (فَقَالَ جِبْرِئِلُ تَقَدَّمْ يَا رَسُولَ اللَّهِ لَيْسَ لِي أَنْ أُجُوزَ هَذَا الْمَكَانَ وَ لَوْ دَنَوْتُ أَنْمَلَةً لَأَحْتَرَقْتُ). (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۸/۳۸۲).

حضرت جبرئیل که به اسرار و حقایق آگاهی دارند به پیامبر ﷺ می فرمایند اگر بند انگشتی نزدیکتر شوم می سوزم. همچنین آیه ۴۹ سوره آل عمران به این امر ناظر است (أَنِّي أَخْلُقُ لَكُمْ مِنَ الطِّينِ كَهَيْئَةِ الطَّيْرِ فَأَنْفُخُ فِيهِ فَيَكُونُ طَيْرًا بِإِذْنِ اللَّهِ وَ أَبْرِي الْأَكْمَهَ وَ الْأَبْرَصَ وَ أَحْيِي الْمَوْتَى بِإِذْنِ اللَّهِ وَ أَنْبِئَكُمْ بِمَا تَأْكُلُونَ وَ مَا تَدْخِرُونَ فِي بُيُوتِكُمْ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ) (آل عمران/۴۹) حضرت عیسی علیه السلام به امر خداوند مرده را زنده می کند (می فرماید من) در حالی که این امر در اختیار خداست این آیه شریفه مراتب اسرار و حقایق نهفته در نظام هستی را بیان می کند که هر انسانی به مراتبی از آن می رسد و می تواند کار خدایی کند. خداوند اسرار و حقایق نامتناهی در بطون کتاب تکوین و تدوین قرار داد نه تنها انسان را از آن منع نکرد بلکه از طریق آیات قرآن و لسان معصومین علیهم السلام تاکید زیادی در فراگیری این علوم دارند انسانی می تواند ماورای این طبیعت مادی را ببیند و اسرار الهی را مشاهده کند، همانند پیامبران الهی، کسانی هستند که با این تعبیر می توان از آنان یاد یاد کرد (كَلَّا لَوْ تَعْلَمُونَ عِلْمَ الْيَقِينِ لَتَرَوُنَّ الْجَحِيمَ. ثُمَّ لَتَرَوُنَّهَا عَيْنَ الْيَقِينِ). (تکاتر/۵، ۶، ۷) انسان می تواند به مقامی برسد که گذشته و آینده برای او حال شود و به هزاران سال قبل و بعد سفر کند این امر در همین نشئه دنیا ممکن است.

Fourth period
The seven number
Autum and Winter
2021

نتیجه:

۱- مکتب تاویلی علامه حسن زاده آملی در تمام ابعادش از جمله در مبانی، روش و مراتب تاویل جدا از کتاب تکوین و تدوین الهی نیست و با آیات و روایات و سیره اهل بیت کاملاً در هم آمیخته و با آن منطبق است. ایشان داشته‌های خود از علوم عقلی، نقلی و سیر و سلوک و تفسیر انفسی آیات و روایات را از برکت قرآن، روایات و سیره عملی اهل بیت می‌داند و هر تاویل و برداشتی از کتاب تکوین و تدوین الهی از کانال وجودی مفسرین خطا ناپذیر، خطا ناپذیر است.

۲- علامه حسن زاده آملی نگرش تاویلی خود را بر اساس کتاب تکوین و تدوین الهی بنیان نهاد و لذا می‌توان گفت آثار و سخنان ایشان تفسیر انفسی آیات قرآن و روایات می‌باشد. براساس مکتبتاویلی ایشان، تاویل از درون می‌جوشد و انسان اسرار و حقایق را در درونش می‌یابد نه این که از بیرون بر شخص موصول عرضه شود. تاویل از مجرای تطهیر و تحول نفس است و پل ارتباطی بین اسرار و حقایق کتاب تکوین و تدوین الهی با نفس ناطقه انسانی که طالب بی‌نهایت است ایجاد می‌کند.

۳- مکتب تاویلی ایشان در ارتباط کامل با آیات و روایات است و آیاتی از جمله (هُم دَرَجَاتٌ عِنْدَ اللَّهِ وَ اللَّهُ بَصِيرٌ بِمَا يَعْمَلُونَ) (آل عمران / ۱۶۳)؛ (وَ اللَّهُ فَضَّلَ بَعْضَكُمْ عَلَى بَعْضٍ فِي الرِّزْقِ) (نحل / ۷۲)، (وَ لَقَدْ فَضَّلْنَا بَعْضَ النَّبِيِّينَ عَلَى بَعْضٍ) (اسراء / ۵۶)، و روایاتی چون (وَ إِنْ الْقُرْآنَ ظَاهِرُهُ أُنِيقٌ وَ بَاطِنُهُ عَمِيقٌ لَا تَفْنَى عَجَائِبُهُ وَ لَا تَنْقُضِي غَرَائِبُهُ وَ لَا تُكْشِفُ الظُّلُمَاتُ إِلَّا بِهِ) (نهج البلاغه خطبه ۱۸) در موارد گوناگون مورد استناد ایشان قرار گرفته است.



منابع

قرآن کریم

نهج البلاغه

- ۱- آلوسی، سید محمود «۱۴۱۵». روح المعانی، بیروت، دارالکتب العلمیه، اول.
- ۲- بدیعی، محمد «۱۳۹۲». گفتگو با علامه حسن حسن زاده آملی، قم، تشیع، هشتم.
- ۳- پویا، حسن «۱۳۷۳». مصاحبه با علامه، مجله بینات، ص ۸۸-۹۷، شماره ۱.
- ۴- حسن زاده آملی، حسن «۱۳۸۸». سدره المنتهی فی تفسیر قرآن المصطفی، قم، الف.لام.میم، اول.
- ۵- حسن زاده آملی، حسن. علوم قرآن و حدیث، بینات، پاییز ۱۳۷۳، شماره ۳.
- ۶- حسن زاده آملی، حسن «۱۳۹۳». اتحاد عاقل به معقول، قم، موسسه بوستان کتاب.
- ۷- حسن زاده آملی، حسن «۱۳۸۳». انسان کامل از دیدگاه نهج البلاغه، تهران، الف.لام.میم، اول.
- ۸- حسن زاده آملی، حسن، ۱۳۸۳: انسان و قرآن، قم، قیام، دوم.
- ۹- حسن زاده آملی، حسن، زندگی و مبانی تفسیر سید حیدر آملی، علوم قرآن و حدیث، بینات، پاییز ۱۳۷۳، شماره ۳، ص ۵۳ تا ۴۲.
- ۱۰- حسن زاده آملی، حسن «۱۳۹۰». طرفدار و عهده دار حقوق بشر فقط قرآن مجید است، قم، الف.لام.میم، اول.
- ۱۱- حسن زاده آملی، حسن «۱۳۷۴». قرآن و عرفان و برهان از هم جدایی ندارند، قم، قیام، دوم.
- ۱۲- حسن زاده آملی، حسن «۱۳۹۰». گنجینه گوهر روان، تهران، نثرطوبی، سوم.
- ۱۳- حسن زاده آملی، حسن «۱۳۷۶». مجموعه مقالات، قم، دفتر تبلیغات، پنجم.
- ۱۴- حسن زاده آملی، حسن «۱۳۷۸». ممدالهمم در شرح فصوص الحکم، تهران، وزارت ارشاد، چاپ اول.
- ۱۵- حسن زاده آملی، حسن «۱۳۷۵». نصوص الحکم بر فصوص الحکم، تهران، رجاء، دوم.
- ۱۶- حسن زاده آملی، حسن «۱۳۹۰». نور علی نور در ذکر و ذاکر و مذکور، قم، تشیع، چهاردهم.
- ۱۷- حسن زاده آملی، حسن «۱۳۸۷». ولایت تکوینی، قم، قیام، چاپ اول.

- ۱۸- حسن زاده آملی، حسن «۱۳۸۱». هزار و یک کلمه، قم، بوستان کتاب، چاپ سوم.
- ۱۹- خمینی، روح الله «۱۳۹۲». تعلیقات علی شرح فصوص الحکم و مصباح الانس، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، تهران، چاپ اول.
- ۲۰- سهروردی، شهاب الدین «۱۳۷۵». رسائل شیخ اشراق، تهران، موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- ۲۱- شهاب الدین ابو حفص سهروردی «۱۳۷۵». عوارف المعارف، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، چاپ: دوم.
- ۲۲- طباطبائی، سید محمد حسین «۱۳۷۳». ترجمه تفسیر المیزان، قم، دفتر انتشارات اسلامی، سوم.
- ۲۳- کلینی، محمد بن یعقوب «۱۴۰۷». الکافی، تهران، دار الکتب الاسلامیه، چهارم.
- ۲۴- مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی «۱۴۰۳». بحار الأنوار (ط - بیروت) - بیروت، چاپ: دوم.
- ۲۵- محمد اسیری لاهیجی «بی تا». أسرار الشهود فی معرفه الحق المعبود، بی جا.
- ۲۶- مولوی، جلال الدین «۱۳۷۵». مثنوی معنوی، تهران، انتشارات پژوهش.
- ۲۷- نراقی، ملا محمد مهددی «۱۳۶۹». انیس الموحدین، تهران، الزهراء، دوم.
- ۲۸- همدانی، عین القضاة «۱۳۴۱». تمهیدات، تهران، دانشگاه تهران.

References:

The Holy Quran

Nahj al-Balagha

1- Alousi, Seyyed Mahmoud, Ruh al-Ma'ani, Beirut, Dar al-Kitab al-Ulamiya, first, 1415 A.H.

2- Badiei, Mohammad, conversation with Allameh Hassan Hassanzadeh Amoli, Qom, Shia, 8th, 2012

3- Poua, Hassan, interview with Allameh, Binat magazine, pp. 88-97, number 1, spring 2013

4- Hassanzadeh Amoli, Hassan, Sidra al-Muntahi fi Tafsir al-Qur'an al-Mustafi, Qom, A. Lam. Mim, 1, 1388, volumes 2and 1



- 5- Hassanzadeh Amoli, Hassan, Sciences of Quran and Hadith, Binat, Fall 2013, No. 3, pp. 42-53
- 6- Hassanzadeh Amoli, Hassan, The Unity of Aqeel Be Abeshqe, Qom, Bostan Kitab Institute, 4, 2013
- 7- Hassanzadeh Amoli, Hassan, A Perfect Man from the Viewpoint of Nahj al-Bala'ah, Tehran, A. Lam. Mim, 1, 2013
- 8- Hassanzadeh Amoli, Hasan, Man and the Qur'an, Qom, Qiyam, II.
- 9- Hassanzadeh Amoli, Hassan, the life and foundations of interpretation of Seyyed Haider Amoli, Sciences of the Qur'an and Hadith, Binat, Fall 2013, No. 3, pp. 42-53
- 10- Hassanzadeh Amoli, Hassan, the supporter and guardian of human rights is only the Holy Qur'an, Qom, A. Lam. Mim, 1st, 2010
- 11- Hassanzadeh Amoli, Hassan, The Qur'an and Irfan and Burhan are not separated from each other, Qom, Qiyam, II, 1374
- 12- Hassanzadeh Amoli, Hassan, Ganjineh Gohar Rovani, Tehran, Nasratubi, 3rd, 2018
- 13- Hassanzadeh Amoli, Hassan, collection of articles, Qom, Advertising Office, 5th, 1376
- 14- Hassanzadeh Amoli, Hassan, Mamdhalham in the description of Fuss al-Hakm, Tehran, Ministry of Guidance, 1, 1378
- 15- Hassanzadeh Amoli, Hassan, Nusus al-Hakm on Fuss al-Hakm, Tehran, Raja, 2nd, 1375
- 16- Hassanzadeh Amoli, Hassan, Noor Ali Noor in Zikr and Zakir and the Mentioned, Qom, Shia, 14th, 2010
- 17- Hassanzadeh Amoli, Hassan, Tekuni Province, Qom, Qiyam, 1378
- 18- Hassanzadeh Amoli, Hassan, Thousand and One Words, Qom, Bostan Kitab, 3rd, 2011 6volumes

Fourth period
The seven number
Autum and Winter
2021

- 19- Khomeini, Ruhollah, Taaliqat Ali Sharh Fuss al-Hakm and Misbah Al-Ans, Imam Khomeini Editing and Publishing Institute, Tehran
- 20- Suhravardi, Shahabuddin (Sheikh Eshraq), Sheikh Eshraq's Letters, Tehran, Institute of Cultural Studies and Research, 1345
- 21- Shahab al-Din Abu Hafs Suhravardi/Abu Mansour Esfahani, Awarif al-Maarif (translation), 1 volume, Scientific and Cultural Publications - Tehran, second edition, 1375
- 22- Tabatabai, Seyyed Mohammad Hossein, translation of Tafsir al-Mizan, Qom, Islamic Publications Office, 3rd, 1373
- 23- Ariyan, Baba Taher/Hamdani, Seyed Ali/Ansari, Khwaja Abdullah/, Maqmat Arefan, Tehran, Mustofi Library, II, 1370
- 24- Kilini, Muhammad bin Yaqub, Al-Kafi, Tehran, Dar Al-Kitab al-Islamiya, 4th, 1407 AH
- 25- Majlisi, Muhammad Baqir bin Muhammad Taqi, Bihar al-Anwar (I - Beirut) - Beirut, second edition, 1403AH.
- 26- Mohammad Asiri Lahiji, Asrar al-Shoud fi Marifah al-Haq al-Maboud, \ volume, [no place] - [no place]
- 27- Maulvi, Jalaluddin, full text of Masnavi Manavi, Tehran, Research Publications, 2015
- 28- Naraghi, Mullah Mohammad Mehdadi, Anis Al-Mohedin, Tehran, Al-Zahra, II, 1369
- 29- Hamdani, Ain al-Qadat, Temhidat, Tehran, University of Tehran, 1341